



غروب پاییز و موسیقی

است، بی روح و بی رمق و بدون هیچ امیدی. پرسه زنان در لابلای دودهای خاطرات است بر روی ملودی‌های "فرانسیس گویا" (گیتاریست مشهور بلژیکی) یا "لودویک ایانوودی" (آهنگساز ایتالیایی مشهور فیلم و نوازنده پیانو) و یا هر آهنگساز دیگری همراه می‌کنی. اما غروب پاییز تماماً صدای چنگ زدن به سیم‌های یک گیتار را می‌خواهد. خواهی نخواهی صدای گیتار نزدیک‌ترین همپوشانی را با غروب خنک پاییزی دارد. هم‌زمان نگاهت را از آدم‌نمایها بر می‌داری و به درخت‌های سر لخت، ساختمان‌های کج و رشت، خیابان تقریباً شلوغ و آسمان آلووده می‌اندازی. هرچه می‌خواهی خودت را فریب دهی اما نمی‌شود، بر روی تقویمت پاییز است اما در آسمان خبری از پاییز نیست.

برای زندگی اش ترسیم می‌کنم اما هیچ کدام به نظر حقیقتی نیست. حقیقتی ترین تصویر همین سوت زدن او و طی کردن امتداد کوچه است. کم کم به اوج موسیقی نزدیک می‌شود، ساید لخند بزنی و شاید هم اشک شهر خسته با مردمانی خسته‌تر است. به قفل‌زده باشی یا چه بلایی به سر قلب آورده باشی یا آورده باشد.

همچیز انگار مرد نارنجی تیره می‌کند. غربی که رنگ شهر را آورده باشی یا آورده باشد.



ماهnamه دانشجویی بیان

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی - اجتماعی

مدیر مسئول: بشیر معتمدی

مدیر اجرایی: منوچهر صابر

سردبیر: حسین سعادت

هیأت تحریریه: امین رمضانعلی، امید صفری، یوسف عبدی، فرزانه فرهنگی، سلمان کریم زاده و

مهندیس متقيان فرد

ویراستار: لیلا امیری فرد

طراح و صفحه آرا: سعید قهرمانی

به قلم سردبیر



حسین سعادت
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته علوم اقتصادی
Hosseineconomy90@gmail.com

دروود فراوان دارم خدمت تمامی مخاطبان عزیز نشریه بیان که همچنان با آغاز سومین سال فعالیت نشریه، ما را همراهی کنیم و نظرات و انتقادات بسیار مؤثری می‌کنند و فعالیت پیشتر و بهتر می‌شود، چراکه نشان می‌دهد نشریه فقط به ظاهر چاپ و پخش نمی‌شود بلکه هستند کسانیکه با دقت و سپار ریزی به مطالعه هر شماره می‌پردازند که از همگی آنها بسیار سپاس گذاریم. روز دانشجو را نیز پیشایش خدمت همه دانشجویان گرامی تبریک می‌گوییم و امیدوارم این قشر فعال و پر تلاش همواره برای این مژده‌بوم مؤثر واقع شوند و در تمامی عرصه‌های جامعه همکاری و حضور فعال داشته باشند.

همچنین از برنامه‌های معاونت محترم

فرهنگی از قبیل برگزاری مسابقات ورزشی

دانشجویان و نیز تدارک دیدن مراسم

مختص روز دانشجو کمال تشکر و قدردانی

را داریم.

امیدوارم عزاداری‌های شما بزرگواران نیز

در ایام محروم و صفر و اربعین حسینی

موردقبول درگاه حق قرار بگیرد و توشهای

مفید و پریار باشد.

واما باز هم مصیبتی سنگین بر جانodel

مردم این سرزمین سایه افکند.

از آن هزینه نمی‌شود؟

هیئت تحریریه نشریه بیان بهنوبه خود مصیبت وارد به مردم استان کرمانشاه را برای زلزله تسليت عرض می‌نماید و از فرست و منابع مالی صرف شده سنجیده خداوند منان برای فوت شدگان این حادثه می‌شوند، می‌توان به اهمیت آن‌ها پی‌برد. این سرزمین بلایای طبیعی زیادی از طلب صبر و برداشتی دارد. حادثه‌ای که اندوه بزرگی بود برای هر عضو از این سرزمین پنهان، سیل، آتش‌سوزی و ... را تجربه کرده است اما باید برای مقابله با آن‌ها چاره‌ای اندیشید. تغیرات آب و هوایی و اقیمی در حال حاضر یکی از موضوعات اصلی در کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد که با پژوهش‌های بسیار سعی در کاهش خسارات و تلفات و تبعات بعدی آن دارند. مسکن روستاییان با توجه به شرایط مکانی و وضعیت مادی ساکنان معمولاً با زلزله‌ای ضعیف هم آسیب‌پذیر است تا چه برسد به زلزله شدید، اما جایی بسی سؤال است که چرا دیگر منازل تازه‌ساخت و به خصوص مسکن مهر در شهرهای استان کرمانشاه که مدت زیادی از افتتاح آن‌ها نمی‌گذرد، تخریب شده‌اند. خانه‌هایی که با هزینه زیاد ساخته می‌شوند، انسان‌هایی با امید در آن زندگی می‌کنند و با حادثه ای همچون خانه‌های خشتنی خسارت می‌بینند و اسکلت‌ش ماند و گوشت و پوستش فروریخت. زلزله کرمانشاه عیار در دنای که برای سنجش تاب آوری مسکن مهر بود. تصاویر زیبایی از کمک مردم عزیز به مناطق زلزله‌زده دیدم که جای تشكربسیار دارد و مردمی بر زخم داغ دیدگان بود، اما مسئولین عزیز، هر لحظه ممکن است در هر نقطه‌ای از کشور باز هم حادثه‌ای تلخ با خسارات میلیاردی و تلفات بسیار و غم و اندوهی بزرگ رخ دهد. تا دیر نشده است به فکر باشیم، به فکر باشیم تا با استفاده از تجارب کشورهای دیگر از حجم مصیبت کم کنیم. کرمانشاه عزیز، کرد با غیرت، از یاد ما نخواهد رفت.



یوسف عبدی
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته علوم اقتصادی
yusefabdi9388@yahoo.com

کرمانشاه سلام؛ کرمانشاه درود

من امروز بی ستون هستم
آن شب صدای تیشه فلک در بیستون
پیچید و سرزمین مادری ام که هنوز زخم
های هشت سال جنگ بر پیکرش
خودنمایی می کرد بار دیگر زخمی شد.
آن شب تن سرزمینی لرزید که یک عمر
پشت دشمن را لرزانده بود. آن شب آوای
غمگین (روله رو) و (لواندن) مادران و
پدرانی که روله هایشان را از زیر آوار
بیرون می کشیدند گوش بیستون و پراوورا
کر کرد.

ناله غمگین (مور) و شیون و چمری از
سرزمینی می آمد که در هشت سال جنگ،
تن بی جان و پیکرهای زخمی و تن های بی
در آغوش می فشد. آن شب بار دیگر
رود الوند نوای لالایی سرداد.
آن روزها برای پیکرهای زخمی و تن های بی
سری که از مادرانشان جدا افتاده بودند و
در غربت سربه سینه الوند گذاشته بودند
می خواند و آن شب برای فرزندان ایران را
ناکام خودش!!!!!!
صدای لالایی الوند رود را نشینید؟
همچا پیچیده بود!

تو که یک عمر مردمت میاندار
دیار غمگینم، سرزمین سربه آسمان
کشیده از دل تاریخ، می دانم این غم راهم
تاب می آوری. مثل تمام دردهای
دیگرت. از هشت سال جنگ تاکنون که
زیله زخمی ات کرده است.
قصر شیرین بنال با گریه الوند و بانوای
سنج و دهل نخل ها و دارهای لیمو.
سر پل ذهاب تو که تاریخ را در خود می
می خواهم امروز بیستون تو باشم.
پروری اینک این زخم را نیز به گنجینه
من امروز بیستون تو هستم.



خاک ماتم را که فلک بر سر و رؤیت
آسمان غمگینت باریدم تا شاید برای زخم
های آماش کرده اتانیم باشد.
همیشه من سر بر شانه ات می گذاشتم تا
آرام بگیرم، اینک تو سر بر شانه من
بگذار، اینک تو بیار، اینک تو فریادی که از دل
دیار زخم خورده ام، اینک تو دردهایت را
شرحه شرحه بگو...!
گیلانغرب پر غرور بنال!

دوی که یک عمر مردمت میاندار
دیار غمگینم، سرزمین سربه آسمان
کشیده از دل تاریخ، می دانم این غم راهم
تاب می آوری. مثل تمام دردهای
دیگرت. از هشت سال جنگ تاکنون که
زیله زخمی ات کرده است.
سر بر شانه هایم بگذار دیار زخم خورده
می خواهم امروز بیستون تو باشم.
من امروز بیستون تو هستم.

آن شب زیله به آوارگان تازه آرامش

یافته از جنگ، رحم نکرد.

آن شب مادران کرد کرمانشاهی به یاد

تمام دردهای این سرزمین (مور) آوردند.

سرزمین مادری من، جنگ را تاب آوردی.

فرزندات را صبورانه به خاک سپاری. این



پل

سال سوم، شماره هفدهم، آذرماه ۱۳۹۶



فرزانه قره ئی
دانشجوی کارشناسی ارشد
فرهنگ و زبان‌های باستانی
Gharahee@list.ru

گوشه‌ای از اعتراضات پک جنایتکار اقتصادی

پیاده روی اربعین

سلمان کریم زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته علوم اقتصادی
karimzade@gmail.com

فکر نکِیم فقط مخصوص من بوده باشد
احتمالاً خیلی های دیگر هم این حس
داشته‌اند. شاید به خاطر جنگ طولانی
مدت ما با عراق و شاید هم به خاطر
تصویری که سریال‌های تلویزیونی و فیلم‌
های سینمایی در این سال‌ها به مانش
می‌دادند بوده که از پچگی همیشه اس-
عراق یک حس تنفر و انزجار در من
ایجاد می‌کرد و شنیدن اسم عراق و عراقی
هم‌زمان بود با نقش بستن تصویری
انسان درشت‌هیکل با صورتی زخت
خشن و رنگ پوست تیره در یک لب
نظاهه داشته.

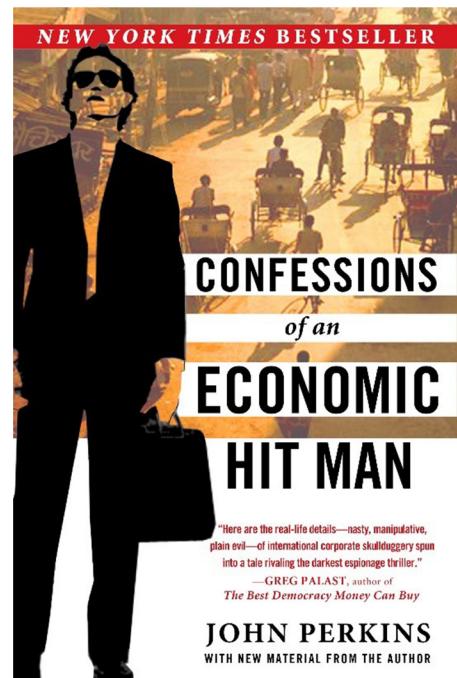
بعدها که بزرگتر شدم و یاد گرفت
کنجه‌گارانه تر به اطرافم نگاه کنم
خصوصاً بعد از سقوط صدام و حزب بعد
کم کم فهمیدم که عراقی‌ها بسیار بیش
تصویری که داشتم متفاوت هستند و شاید
ازین همسایگانمان از نظر فرهنگی
مذهبی شیعه‌ترین و نزدیک‌ترین مردم باشند
ما هستند، اما خوب هنوز خیلی ها عراقی‌ها
را در لباس نظامی ارتش بشنی به خاطر من
آوردن.

ام ریاضی کے دستان پیارہ روی سے
اربعین پیش آمد، خیلی خوشحال می شا
کہ می دیدم مردم دو کشور در ایں
فرصت می توانند شباهت و نزدیکی شان ب
یکدیگر را حس کنند و همیشه در ایں
راهپیمایی نشانه‌های نزدیکی دو ملت ک
در واقع بخشی از امتی بزرگتر هست
خوشحاله می کرد.

حیلی و قت‌ها با دیدن صحنه‌های پیش روی و مهمان‌نوازی برادران عراقی اربعین با خود فکر می‌کنم که شا بعضی از همین برادران عراقی روزی مجبوبه‌اند در لباس نظامی و با اسلحه با روپرتو شوند و شاید دونفری که امروزه عنوان زائر و خادم، میهمان و میزبان خانه یا موکبی باهم غذا می‌خورند، روز با اسلحه و در لباس نظامی روپرتوی هی قرار گرفته بوده‌اند و جز مرگ دیگر برای خود هدفی متصور نبوده باشند شاید امروز هر کدامشان خدا را شکر کنند که آن روز به آن هدف نرسیدند. اینجاست که بی اختیار ذهنم به سمت فهیم جنگ و دشمنی می‌رود و اینکه ما آن را چگونه برای خود تعریف می‌کنیم و از پیروزی در

۱۷۰ اتفاق افتاد. درست بعدازاینکه ما معامله بر پایه طلا را رها کردیم، زیرا که ورشکست شده بودیم. ما توانیمی پرداخت بدھی هایمان به کشورهای اروپایی را بر مبنای طلا نداشتمیم، به همین خاطر نیکسون استاندارد طلا را حذف کرد. مادر موقعیتی گیر کرده بودیم که چرا حتی یک نفر در جهان باید از دلار آمریکا برای دادوستد استفاده کند. ما خیلی زود نقش هایی طراحی کردیم که دلار را معیار سنجش بهای نفت و دادوستد آن قرار می داد. شما نمی توانید در تمام جهان نفت بخرید در ازای چیزی به جز دلار آمریکا که این از نظر کورپروتاکرنسی (سیستمی اقتصادی سیاسی در کنترل کمپانی ها بسیار پراهمیت است. بخش مربوط به ما این بود که پذیرفیتم خاندان سعود را در رأس قدرت نگهداشتم. این یک توافق شکفت انگیز بود. توافق تاریخ ساز قدرت بود. توافق بسیار قدرمندی که ما با عربستان سعودی بستیم. قراردادی که به گفته سازمان سیا برگشت منفی و عواقب ناخواسته ای به همراه دارد. اما از نظر کلی کورپروتاکرنسی به این قرارداد به عنوان یک موقبیت باور نکردنی می نگریست.

این موقعیت بسیار غم‌انگیز است و می‌کرد که پس از چند سال به چندین تریلیون دلار می‌رسید. وزارت خزانه داری با این سود شرکت‌های آمریکایی را استخدام کرد تا ایرستان را بر اساس الگوهای غرب شکل دهند. ساخت مجتمع های پتروشیمی، کارخانه‌های آب‌شیرین کن، ایجاد شهرهایی تماماً در یابان. مک دونالد و سایر چیزهایی که با فرهنگ غربی ما همسو می‌بود. خاندان سعود همچنان پذیرفت که بهای نفت را در اندازه ای نگه دارد که برای شرکت‌های نفتی قابل قبول باشد. احتمالاً برای من و شما قابل قبول نیست، اما برای شرکت‌های نفتی قابل قبول است. این خیلی خیلی مهم است. آن‌ها پذیرفتند که هرگز نفت را در قبال چیز دیگری به جز دلار آمریکا معامله نکنند. این داده



درد ناتمام

شامگاه یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ بود که زمین لرزه‌ای به بزرگی ۷،۳ ریشتر در نزدیکی مرز ایران- عراق و در نزدیکی شهر ازگله استان کرمانشاه رخ داد. زمین لرزه‌ای با حدود ۵۰۰ کشته، چندین هزار نفر زخمی و بی‌خانمان. بیشترین آمار کشته‌ها و زخمی‌ها نیز از شهرهای قصر شیرین، سرپل ذهاب و ثلاثه باباجانی گزارش شدند. بر اساس گفته معافون بنیاد مسکن، در این زلزله ۱۲ هزار واحد مسکونی شهری و روستایی به صورت ۱۰۰ درصد تخریب شد و ۱۵ هزار واحد مسکونی نیازمند تعمیر هستند. همچنین مرکز درمانی سرپل ذهاب نیز تخریب شد.

پس ازین واقعه، سیل کمک‌های انسان دوستانه مردم عزیز که همیشه در موقع نیاز با تام وجود حاضر هستند، در کنار کمک و امداد سازمانهای مختلف به سمت مناطق زلزله‌زده سرازیر شد. از شخصیت‌های حقوقی و هنرمندان و ورزشکاران گرفته تا مردم عادی که حتی بعضی‌ها با وجود مشکلاتی که داشتند، حداقل امکانات و کالاهارا ارسال کردند. کارکنان و اعضای هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز در روز پنجشنبه ۲۵ آبان ماه، در حرکتی انسان دوستانه و خودجوش کمک‌های مالی و نقدي خود را جمع آوری و با یک دستگاه کامیون به کرمانشاه و زلزله‌زدگان غرب کشور ارسال کردند که طی چند روز بعد به دست افراد نیازمند رسید. زمانی که تلاش و همت افراد را در طی دو روز با انرژی بسیار حین سته‌بندی و جداسازی اقلام می‌بینید، حسی خوب به انسان دست می‌دهد، حسی که نشان می‌دهد بی تفاوت از کنار هر چیزی نمی‌گذریم، حسی که ناخودآگاه به هر انسانی دست می‌دهد و در درون او نهادینه می‌شود تا برای کمک به هر انسانی، هرجایی که باشد تا حد امکان تلاش کند.



فیلم سکوت (Silence) به کارگردانی مارتین اسکورسیزی (Martin Scorsese) محصول ۲۰۱۶ میلادی، از محدود فیلم‌هایی است که می‌تواند فرد را سر ذوق یاورد و ناخودآگاه دست به قلم کند. مدت فیلم یش از دو ساعت و نیم است و اگر صبر و حوصله روند آرام آن را نداشته باشید، میانه فیلم از دیدن ادامه آن منصرف خواهد شد.

فیلم روایت دو کشیش جوان است که در قرن هفدهم میلادی پس از شنیدن خبر مرتدشان یکی از کشیش‌های فرستاده شده به ژاپن (علم دو کشیش جوان)، برای کشف حقیقت به ژاپن سفر می‌کنند. این



در حالی است که در آن دوران ژاپن‌های مسیحی به شدت از سمت حکومت مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند و هزاران نفر مسیحی و مبلغ مسیحیت شکنجه و کشته می‌شدند.

"سکوت" یش از آن که قسمتی از تاریخ را روایت کند، روایتی از ایمان و باور است. اعتقادی که دو کشیش جوان در کلیسا و محیطی مذهبی به دست آورده‌اند، به هیچ وجه قابل مقایسه با ایمان راسخ روستاییانی که در خفا به مسیحیت گرویده‌اند، نیست.

سختی‌ها و شکنجه‌ها را به امید زندگی ابدی در دنیا ای دیگر تحمل می‌کنند و آن را Paraíso (به زبان اسپانیایی و یا همان-Para dise) به معنای بهشت، می‌خوانند.

در جایی از فیلم مأموران، کشیش جوان را به همراه چند روستایی دستگیر می‌کنند.

کشیش مضطرب است چراکه مرگ در

سکوت SILENCE

مهدیس متیان فرد
دانشجوی کارشناسی ارشد
رشته علوم اقتصادی
Mahdismotaghian@gmail.com



نمی‌شوند.

آنچه "سکوت" را در کنار صحنه‌های دل خراش شکنجه و کشته شدن مسیحیان زیبا می‌کند، خلوص و ایمان مردمان است.

این فیلم می‌تواند فارغ از نگاههای جانب دارانه و به دور از قضاوتهای مذهبی دیده شود، چراکه ایمان در میان همه ادیان الهی مشترک است و شاید بتوان گفت یکی از کلیدی‌ترین مسائلی که باعث ترویج یک دین می‌شود، ایمان پیروان آن است. از دیدگاه نگارنده، شاید حتی بتوان پارادوکسی زیبا در نام فیلم مشاهده کرد که به نوعی به سکوت خداوند در تمام وقایع بر می‌گردد. اما همان طور که در انتهای فیلم به آن اشاره می‌شود، خداوند در سکوت شنیده می‌شود و هیچ وقت سکوت نمی‌کند.



سال سوم، شماره هفتم، آذایه ۱۳۹۶

پل